

چگونه ممکن است این امراء سامانی که مؤلف از وصف عدالت پروری و رعیت داری هیچ خودداری نمی‌کند و آن‌ها را در کمال وطن پرستی و ملت دوستی و خودآگاهی بی نظیر می‌داند، کم کم از این مسلک عدل بیرون رفتند، پس اوصافی که به امیر اسماعیل سامانی داده شده، نباید به تمامی آل سامان نیز نسبت داده شود. در رابطه با این موضوع باید گفت که نه تنها در این کتاب بلکه در آثار دیگری نیز که از نویسندگان و محققان تاجیکستان به دست رسیده وصف امراء سامانی گاهی اوقات بدون تحلیل و بررسی لازم آورده شده که بحث و بررسی این موضوع مسأله‌ای جداگانه است.

همان‌گونه که در بالا ذکر شد، کتاب پروفیسور سعدالله عبدالله یف در حجم نسبتاً بزرگی، ۴۰۰ صفحه، ابتدا به زبان تاجیکی و سپس در ۲۳۴ صفحه به زبان فارسی به چاپ رسیده است در متن تاجیکی فقط ۸۴ صفحه (ص ۱۲۲-۲۸) و در متن فارسی (ص ۱۵۰-۳۹) ۶۶ صفحه به طور مستقیم و کامل به امیر اسماعیل اختصاص داده شده و دیگر صفحات تقریباً مطالب درجه دوم است که مؤلف به آن پرداخته است. البته مسائل زیادی هستند که در رابطه با سیاست و فعلیت امیر اسماعیل سامانی اند، ولی بر مؤلف لازم بود، این ارتباط را با جزئیاتش مورد بررسی قرار می‌داد، متأسفانه تحلیل جزئی موضوعات در کتاب مورد نقد تقریباً به چشم نمی‌خورد.

نتیجتاً نقل تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عهد سامانیان در کتاب سعدالله عبدالله یف به طور کلی بیان شده است و به ندرت تحلیل‌های عمیق تر علمی به چشم می‌خورد، مؤلف با تمام کوشش‌ها که برای نوشتن یک تحقیق آکادمیک به خرج داده است ولی متأسفانه بر او میسر نشده است تا جایگاه واقعی و حقیقی امیر اسماعیل سامانی در تاریخ دولت سامانیان و سرنوشت ملت تاجیک را نشان بدهد.

با این وجود بررسی و تحقیق عمیق شخصیت امیر اسماعیل سامانی و جایگاه وی در تاریخ قرون ۳ هـ / ۹-۱۰ م / ماوراءالنهر خراسان، باز هم هنوز باقی مانده است.

منابع و ماخذ:

۱- ر. ک. عبدالله یف، سعدالله. امیر اسماعیل سامانی. نشریات به نام رحیم جلیل، خجند، ۱۹۹۸: امیر اسماعیل سامانی، تالیف پروفیسور سعدالله عبدالله یف. ناشر مجمع علمی تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان، تهران، ۱۳۷۸. در این مقاله از چاپ تاجیکی (چاپ خجند) مورد استفاده شد.

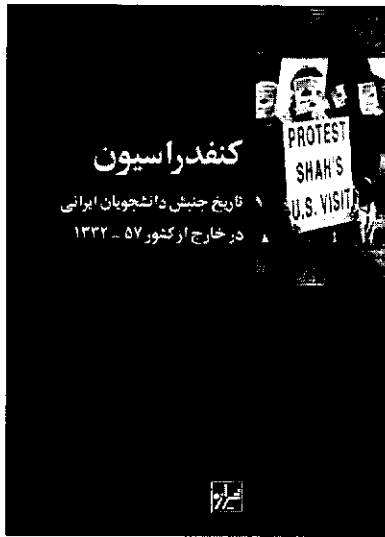
۲- مسأله اصل و نسب سامانیان را در این مقاله نمی‌توان حل و فصل نمود. و آن از موضوعات شکیل و پیچیده تاریخ قرون ۳-۴ هـ / ۹-۱۰ م. خراسان و ماوراءالنهر به‌شمار می‌آید و نیاز به تحقیق دامنه‌داری دارد.

۳- برای مثال ر. ک. به:

negmatov N. Tadjikskiy fenomen: istoriya i teoriya. Dushanbe, 1998, S. 143-170

کنفدراسیون

تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۵۷ - ۱۳۳۲



■ کنفدراسیون، تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۵۷-۱۳۳۲
 ■ تالیف: افشین متین
 ■ ترجمه: ارسطو آذری
 ■ ناشر: شیرازه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۸

حدوداً از سال ۱۳۷۵ تا کنون به همت آقای کاوه بیات سلسله تحقیقات، اسناد، گزارشات و منابع دست اولی تحت عنوان مجموعه «تاریخ معاصر ایران» توسط محققان، نویسندگان و مترجمان مختلف، ترجمه، تألیف یا تدوین گشته که هر جلد از آن مجموعه به راستی زوایای پنهان و گاه حتی فراموش شده برخی رویدادها و تحولات دوران معاصر را روشن ساخته و بسیاری از پژوهشگران تاریخ معاصر را در روند مطالعات و تحقیقاتشان یاری رسانده است. تاکنون افزون بر بیست عنوان، ویژه تاریخ معاصر از مجموعه یاد شده توسط نشر و پژوهش «شیرازه» به طبع رسیده است. ^۱ از جمله آخرین کتابهایی که از این سلسله آثار اخیراً روانه بازار کتاب شده، کنفدراسیون، تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۵۷-۱۳۳۲ می‌باشد که هرچند در شناسنامه آن «چاپ دوم» قید شده اما چون از چاپ اول آن بی‌اطلاع بودیم و صرفاً چاپ دوم در نظام اطلاع‌رسانی خانه کتاب و بالطبع دفتر کتاب ماه وارد شده، انتشار آن را همزمان با بیست و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، تقارنی مبارک دانسته، به عنوان کتابی تازه منتشر شده معرفی کوتاه آن را وجهه همت خود قرار دادیم.

«کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی، اتحادیه ملی» که با عنوان Confederation of Iranian students, National Union = GISNU یا «کنفدراسیون» از آن یاد می‌شود سازمانی بود متشکل از دانشجویان ایرانی مقیم کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده که در دوران فعالیتش یعنی در فاصله سال‌های بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. تا فروپاشی نظام پهلوی در پی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، بلندگوی آمال و خواسته‌ها و اعتراضات مخالفان رژیم در خارج از کشور بود. ^۲

آقای کاوه بیات در مورد میزان نقش و تأثیرگذاری کنفدراسیون در روند تحولات داخل کشور، همچنین علت اهمیت بررسی این جنبش در یادداشت آغازین کتاب می‌نویسد: «اگر چه کنفدراسیون در خلال حیات پرفراز و نشیب خود از ارتباط پیوسته‌ای با تحولات

داخلی کشور برخوردار نبود و می‌توان گفت تا پیش از انحلالش در آستانه انقلاب و بازگشت بسیاری از فعالین آن به کشور بر این تحولات تأثیر مستقیمی برجای نگذاشت، ولی از جهاتی چند، تاریخ سیاسی ایران معاصر بدون آگاهی از تاریخچه فعالیت‌های دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، نمی‌تواند تاریخ کاملی باشد. زیرا در درجه اول بخش مهمی از خواسته‌ها و نگرانی‌های بخش وسیعی از نیروهای سیاسی کشور و همچنین خبر فعالیت‌های گوناگون مخالفان نظام که در داخل کشور مجال طرح نداشت، از طریق کنفدراسیون مطرح می‌شد... دلیل دیگر... تأثیر تجربه کنفدراسیون بر تحولات سیاسی ایران هم در خلال شکل‌گیری انقلاب اسلامی است و هم در تحولات اولیه آن. بازتاب گسترده کاستی‌ها و نارسایی‌های رژیم پهلوی، به ویژه از لحاظ پایمال کردن حقوق انسانی و بی‌ثباتی سیاسی ناشی از این کاستی‌ها، که در قطع حمایت جهانی از نظام حاکم مؤثر واقع شد، بدون پشتوانه سیاسی و تشکیلاتی کنفدراسیون امکان بروزی چنین گسترده نداشت. ^۳

مؤلف که خود در دوره دانشجویی تا اندازهای با فعالیت‌های کنفدراسیون آشنایی داشته و اثر حاضر، پایان‌نامه دکتری ایشان در دانشگاه کالیفرنیا آمریکا است، نقش و جایگاه کنفدراسیون را در روند پیروزی انقلاب و رویدادهای بین‌المللی اینگونه بیان می‌کند: «کنفدراسیون نقش بسیار مهمی در به تصویر کشیدن رژیم شاه به عنوان رژیمی سرکوبگر ایفا نمود و

بدین طریق مشروعیت و حمایت بین‌المللی از آن را تضعیف کرد. کنفدراسیون از طریق تظاهرات گسترده و مبارزات آشکار، در جلب نظر رسانه‌های بین‌المللی، سازمان‌های حقوق بشر، دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی مختلف نسبت به سرکوب و اختناق در ایران تأثیر بسزایی داشت و بدین ترتیب تا حدودی رفتار خودسرانه رژیم نسبت به قربانیان سیاسی خود را تعدیل و مهار می‌کرد. گذشته از این، کنفدراسیون به رغم همه نارسایی‌هایش، تجربه‌ای موفق در زمینه سیاست چند حزبی نیز محسوب می‌شود. پدیده‌ای که در ایران سده بیستم، یعنی کشوری با فرهنگ سیاسی مبتنی بر اقتدارگرایی و فرقه‌گرایی، استثنایی و منحصر به فرد است. این سازمان ده‌ها هزار جوان ایرانی را با مسئولیت اجتماعی، اهداف سیاسی و وابستگی‌های گروهی آشنا کرد، پدیده‌ای که نظیرش در جامعه به مراتب بزرگ‌تر و غنی‌تر ایرانیان در خارج کشور در دوران بعد از انقلاب مشاهده نشد و بالاخره کنفدراسیون نقش مهمی در جنبش‌های اعتراضی دانشجویان و جوانان در دهه‌های ۱۹۷۰-۱۹۶۰ در اروپا و آمریکا ایفا نمود و از جنبش‌ها و مبارزات کشورهای جهان سوم مثل کوبا، ویتنام، فلسطین فعالانه حمایت می‌کرد.^۴

نویسنده در مقدمه کتاب به تحلیل روش‌ها و دیدگاه‌های پژوهشی خارج از کشور، به ویژه اروپا و آمریکا در مورد مسائل ایران، پرداخته، بر این نکته تأکید می‌کند که «انحراف در دیدگاه‌های کارشناسان مسائل ایران، ریشه در نگرش «شاه‌مداری» یا «پهلوی‌مداری» ختم‌شده سیاسی آمریکا در قبال ایران داشته است»^۵. در ادامه می‌نویسد: «اما این گونه اشتباهات و انحراف دیدگاه‌ها، به یک پدیده رایج در نظریه شناخت، یعنی «نگرش قدرت‌مدارانه» مربوط می‌شود. «نگرش قدرت‌مدارانه» به این تمایل دارد که پدیده‌های اجتماعی و تاریخی را عمدتاً از طریق مطالعه شخصیت‌ها، ساختارها و یا نهادهای مسلط مورد بررسی قرار دهد»^۶. مؤلف در ادامه این بحث چنین اظهارنظر می‌کند: «ولی در حقیقت هنوز هم تداوم همان نگرش گذشته است که جامعه را قبل از هر چیز از طریق نهادهای سیاسی و فرهنگی مسلط بر آن مورد توجه قرار می‌دهد. مطالعات و تحقیقات آکادمیک، حرکت‌ها و دیدگاه‌های مختلف سیاسی، گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی غیررسمی و غیرمسلط، یا به عبارتی گرایش‌های حاشیه‌ای در ایران را همچنان به ندرت مورد توجه قرار می‌دهد و این درحالی است که دقیقاً مطالعه اینگونه موارد است که به ما کمک می‌کند تا ماهیت دیدگاه‌های مختلف و نیز تناقضات درونی فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه و نیز برخورد اجتناب‌ناپذیر آن با عناصر و نیروهای غیررسمی، سرکوب شده و حاشیه‌ای را بهتر درک نماییم»^۷.

دکتر متین در ادامه مقدمه به بحث درباره منابع و چگونگی تحقیق پرداخته، از تازگی موضوع که کار گسترده‌شناسایی و جمع‌آوری منابع پراکنده و گوناگون را می‌طلبد، همچنین تنظیم روایتی یکدست به عنوان اساسی‌ترین مشکلات بر سر راه پژوهش خود یاد می‌کند. مهمترین منابعی که نویسنده در اثر خود از آنها

سود جسته و در مقدمه معرفی و گزارش جامع و مفید و مختصری از آنها ارائه نموده عبارت‌اند از: نشریات کنفدراسیون و شاخه‌های منشعب آن (نشریاتی مانند: «شانزدهم آذر»، «پیمان»، «نامه پارسی»، «ایران ریپورت»، «دانشجو»، «یاد»، «همگام»، «پگاه»، «پژوهش»، «ایران‌نامه» و «گزارش‌ها و مصوبات کنگره کنفدراسیون»); نشریات گروه‌های سیاسی تبعیدی که مستقیماً در کنفدراسیون ذی نفوذ بودند مانند نشریات حزب توده ایران، سازمان‌های گوناگون وابسته به جبهه ملی ایران، و گروه‌ها و تشکیلات سیاسی دیگر مانند نشریات «سوسیالیزم» ارگان جامعه سوسیالیست‌های ایران، «توقان» ارگان سازمان مارکسیست-لنینیست «توقان»، «کمونیست» ارگان سازمان انقلابیون کمونیست، «حقیقت»، «کارگر»، «کندوکاو»، «پیام دانشجو»، «مجاهد»، «خرداد خونین» و نشریات دیگر؛ رسانه‌های بین‌المللی که اخبار و فعالیت‌های مربوط به کنفدراسیون را پوشش می‌دادند؛ اخبار و گزارش‌های مربوط به کنفدراسیون که در مطبوعات تحت سانسور شاه در ایران منتشر می‌شد؛ مصاحبه‌های شخصی با رهبران کنفدراسیون و دانشجویان سابق که در زمره فعالان سیاسی کنفدراسیون بودند.

نگارنده در بخش دیگری از مقدمه کتاب به تشریح ساختار و شکل ارائه مباحث خود می‌پردازد که به دلیل اشراف ایشان به مطلب و ایجاز و جامعیت آن، در این نوشتار از آن سود جسته خواهد شد. در این اثر وقایع تاریخی با رعایت تداوم زمانی توصیف شده‌اند. از نظر جغرافیایی، فرایند کلی این تحولات بین کشورهای ایران، ایالات متحده و قاره اروپا شکل می‌گیرد. معیار زمان‌بندی، معمولاً فاصله بین کنگره‌های سالیانه کنفدراسیون است. در یک نگاه گذرا به عذوین فصل‌های دهگانه و تحلیلی کلی از محتوای فصول باید گفت ابتدا پس زمینه‌های کلی آموزش در خارج از کشور و نیز جنبش دانشجویی پیش از تشکیل کنفدراسیون در اوایل سال‌های ۱۹۶۰ بررسی می‌شود. سپس مبارزات مهم کنفدراسیون، تحولات و انشعابات آن در سال‌های ۷۰-۱۹۶۰ و نیز آخرین مرحله فروپاشی آن در اواسط سال‌های ۱۹۷۰ ادغام آن در تحولات انقلابی ۱۳۵۷ مورد توجه قرار می‌گیرد. بخش عمده متن مربوط به مبارزات کنفدراسیون و در ارتباط با اتفاقاتی است که در ایران و یا خارج روی می‌دهد. مبارزات مزبور اکثراً بر علیه بازداشت‌های سیاسی، محکومیت‌های زندان و نیز اعدام‌ها در داخل ایران و یا با هدف مختل کردن دیدارهای شاه و یا مقامات عالی‌رتبه از کشورهای خارج سازماندهی می‌شود. تحولات سیاسی و فعالیت‌های نیروهای اپوزیسیون و تشکیلات وابسته به آنان چه در ایران و چه در خارج از کشور تا حدودی و تا آنجا که به جنبش دانشجویی مربوط می‌شود نیز مورد بحث قرار گرفته است.

مؤلف همچنین خاطرنشان می‌کند که در این اثر سعی کرده دقیقاً همان بیان و فرهنگ و اصطلاحات و سبک و سیاق گفتار و استدلال‌های کنفدراسیون دلی سال‌های ۷۰-۱۹۶۰ که جزو فرهنگ مستداول جنبش‌های چپ جهان سومی در آن دوران بوده، بدون

کم و کاست حفظ و عنوان نماید. وی همچنین تأکید می‌کند که «هدف ما در درجه اول بازسازی دقیق و بی‌کم و کاست تاریخچه کنفدراسیون است تا ارزیابی و تحلیل سیاسی آن».

فصل اول کتاب با عنوان «تحصیل در خارجه و تأثیر آن بر ایران تا اواسط قرن بیستم» مروری است گذرا بر تأثیر تاریخی و سیاسی آموزش و پرورش در خارج از کشور از زمان اعزام اولین گروه از دانشجویان به اروپا در اوایل سده نوزدهم (سال‌های دهه ۱۳۰۰ شمسی) تا مبارزات سیاسی دانشجویی در خارج کشور که برای اولین بار در سال‌های بین دو جنگ جهانی توسط شاخه زیرزمینی حزب کمونیست ایران سازمان داده شد و علیه دیکتاتوری رضاشاه تبلیغ می‌کرد. بنیانگذاران تشکل مارکسیستی‌ای که بعدها به گروه پنجاه و سه نفر معروف شد، ضمن فعالیت‌های دانشجویی بر ضد رضاشاه در آلمان و فرانسه، سیاسی شدند.

در فصل دوم با عنوان «خاستگاه جنبش دانشجویی در ایران و خارج تا سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰»، تاریخچه و زمینه‌های تشکیل سه سازمان مستقل دانشجویی در خارج از کشور در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در سال ۱۹۶۲ با پیوستن به یکدیگر «کنفدراسیون دانشجویان ایرانی، اتحادیه ملی» را تشکیل دادند. این سه گروه عبارت بودند از ۱- «کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا» (حاصل ادغام «انجمن دانشجویان ایرانی و اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه»، «فدراسیون انجمن‌های دانشجویان ایرانی در بریتانیا» و «فدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم آلمان» که در کنگره هایدلبرگ آلمان غربی در آوریل ۱۹۶۰ «کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا» را بوجود آوردند) ۲- «سازمان دانشجویان دانشگاه تهران»،^۸ و ۳- «سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا».

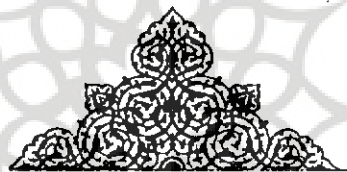
چکیده تحلیل و بررسی نویسنده از کم و کیف فعالیت‌های دانشجویی در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۰ تا تشکیل کنفدراسیون در ۱۹۶۰ چنین است: در طول سال‌های دهه ۱۳۳۰ حزب توده به صورت یک نیروی عمده سیاسی و روشنفکری درآمد که جمعیت کوچک دانشجویی کشور را در آن دوره تحت نفوذ قرار داد. اما از اوایل سال‌های دهه ۱۳۳۰ سلطه حزب توده در مراکز دانشگاهی و روشنفکری کشور با ظهور جبهه ملی به چالش گرفته شد. به دنبال کودتای ۲۸ مرداد فعالیت‌های سیاسی مخالفین تا اواخر دهه ۱۳۳۰ اجباراً دچار وقفه شد. در این دوران تشکیلات دانشجویی ایرانی تنها در ایالات متحده و فرانسه به صورت محدود حضوری غیرفعال داشتند. در اواخر دهه ۱۳۳۰ فعالیت‌های قابل توجهی در بین دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه، انگلستان و آلمان و ایالات متحده (در قالب تشکل‌های یاد شده در بالا) به چشم می‌خورد در این زمان تعدادی نشریات مستقل دانشجویی به وجود آمدند که در آنها نه فقط به مسایل فرهنگی و اجتماعی توجه می‌شد، بلکه بر همبستگی دانشجویان خارج از کشور نیز تأکید می‌گردید. این امر ناشی از ظهور مجدد جریان

اپوزیسیون داخلی کشور بود، هرچند اپوزیسیون دانشجویی خارج از کشور به طور مستقل و زودتر فعالیت‌های خود را آغاز کرده بود، «کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا» در ماه آوریل ۱۹۶۰ درست قبل از اولین گردهمایی رسمی جبهه ملی در ایران - جبهه ملی دوم - که توسط هواداران دانشجویی‌اش در تابستان ۱۹۶۰ سازماندهی شده بود، شکل گرفت. همچنین در همان تابستان بود که سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا که در ۱۹۵۲ با هدف حمایت و هواداری از دولت تأسیس شده بود تحت رهبری اپوزیسیون قرار گرفت.^۱

فصل سوم رشد اولیه اپوزیسیون دانشجویی در اروپا و ایالات متحده بین سال‌های ۱۹۶۰-۶۲ م / ۱۳۳۹-۴۱ ش. را در ارتباط با رشد سریع حرکت‌های مشابه در ایران پی می‌گیرد. حرکتی که بیشتر توسط سازمان دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی دوم تشکیل شده بود. نویسنده در تحلیل و توصیف حیات جنبش دانشجویی در سال‌های ۱۹۶۰-۶۲ می‌نویسد: در این دوران، درحالی که جبهه ملی اپوزیسیون را رهبری می‌کرد، این سازمان دانشجویان جبهه ملی بود که با پویایی، فعالیت و حرکت‌های رادیکال خود با کابینه‌های مختلفی که بر سر کار می‌آمدند به مقابله می‌پرداخت. در همان حال فعالین وابسته به جبهه ملی در اروپا و آمریکا ضمن سازماندهی خود به صورت نیروی تعیین‌کننده و رهبری‌کننده جنبش دانشجویی خارج از کشور درآمدند و هر دو تشکیلات، یعنی سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا و کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا از حالت اتحادیه‌های ساده دانشجویی که صرفاً نگران مسائل صنفی بودند به صورت یک نیروی سیاسی تشکیلاتی آشکارا مخالفی درآمدند که فعالیت‌های خود را با سازمان دانشجویان دانشگاه تهران در ایران هماهنگ کردند. در ژانویه ۱۹۶۲، کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا و سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا به یکدیگر پیوستند و بدین ترتیب «کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی، اتحادیه ملی» را تشکیل دادند که خود را سازمان ملی دانشجویان ایرانی در داخل و خارج از کشور اعلام کرد. سازمانی که مورد تأیید رسمی سازمان دانشجویان دانشگاه تهران نیز قرار گرفت. این امر به کنفدراسیون اجازه می‌داد تا به عنوان نماینده همه دانشجویان ایرانی به عضویت سازمان‌های بین‌المللی دانشجویان درآید.

فصل چهارم، کنگره ۱۹۶۲ کنفدراسیون در پاریس و نیز اساسنامه، و ساختار تشکیلاتی این سازمان نوپیدا را بررسی می‌کند در این فصل انشعاب هواداران حزب توده و در نتیجه کنترل کامل جبهه ملی بر کنفدراسیون، سرانجام موضع آنها در قبال اصلاحات پیشنهادی توسط شاه مطرح می‌شوند. مؤلف اذعان می‌دارد که مسائلی چون «برخوردارانی زنان از حقوق سیاسی و تشکیل سپاه دانش که بخش‌هایی از برنامه اصلاحات رژیم شاه بودند، قبلاً از سوی کنفدراسیون نیز مطرح شده بودند. تشکیل یک اپوزیسیون اسلامی به

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایران، اتحادیه ملی، سازمانی بود متشکل از دانشجویان ایرانی مقیم کشور اروپای غربی و ایالات متحده که در دوران فعالیتش، یعنی در فاصله سال‌های بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش تا فروپاشی نظام پهلوی در پی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، بلندگوی آمال و خواسته‌ها و اعتراضات مخالفان رژیم در خارج از کشور بود

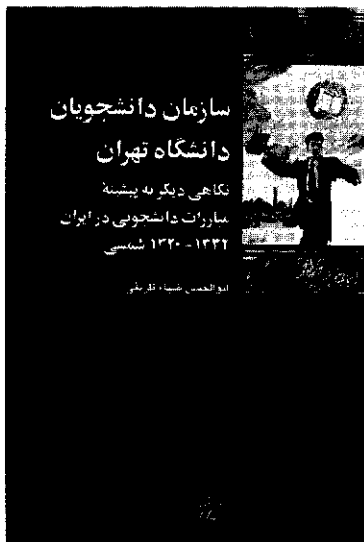


رهبری امام خمینی (ره) که دانشجویان و به ویژه طلاب حوزه‌های علمیه از آن حمایت می‌کردند، یعنی حرکتی که در پاییز ۱۳۴۱ حضور خود را اعلام کرد نیز در همین فصل مورد توجه قرار گرفته است.»

بررسی وقایع حساس و سرنوشت‌ساز سال‌های ۴۲-۱۳۴۰ در ایران و تأثیر آن بر کنفدراسیون موضوع فصل پنجم کتاب را تشکیل می‌دهند. مؤلف در این فصل پس از اشاره به پیوند طلاب پیرو امام خمینی (ره) به دانشجویان دانشگاه تهران و ایجاد جبهه واحدی در مخالفت با اصلاحات و اقدامات شاه، چنین اظهار نظر می‌کند: «در شرایطی که موضع جبهه ملی دوم در برابر سیاست اصلاحات شاه، سیاست «صبر و انتظار» بود، طرفداران امام خمینی (ره) و دانشجویان، اصلاحات شاه را توطئه‌ای برای تثبیت رژیم دیکتاتوری برشمردند. در سال ۱۳۴۲، برای اولین بار بعد از دوران رضاشاه، دولت سرکوب فیزیکی را از دانشگاه به حوزه‌های علمیه قم گسترش داد. این اقدامات سبب تشدید مخالفت گروه‌های اسلامگرا شد که نقطه اوج آن قیام خرداد ۱۳۴۲ بود که طی آن صدها و شاید هزاران تن کشته و مجروح شدند.» نویسنده در تحلیل پیامدهای وقایع خرداد ۴۲ می‌نویسد: «همه این تحولات نشانگر آن بود که دوران مخالفت صلح‌آمیز و قانونی در داخل کشور به پایان رسیده است. از این مرحله به بعد بود که در کنار تحولات داخل کشور، کنفدراسیون دانشجویان در خارج

از کشور نیز، ضمن تشدید فعالیت خود تحت رهبری جبهه ملی و با همکاری یک جناح منشعب از حزب توده به نحو روزافزونی به چپ‌گراییش پیدا کرد.»

فصل ششم تحولات سال‌های ۶۶-۱۹۶۵ م / ۴۵-۱۳۴۴ ش. و تأثیر و تأثر کنفدراسیون از رویدادهای این سالها را دربر می‌گیرد. نویسنده در تحلیل این دوران می‌نویسد: «این دورانی است که مخالفین رادیکال در ایران به صورت مخفی خود را آماده مبارزه مسلحانه می‌کردند و کنفدراسیون به تنها سازمان مخالف باقیمانده‌ای تبدیل شد که فعالیت علنی داشت. گرایش به چپ کنفدراسیون به دلایل تحولات مشخص چه در ایران و چه در سطح بین‌المللی همچنان ادامه داشت. در ۱۹۶۵ شاخه‌های جبهه ملی در اروپا و ایالات متحده بیش از پیش به چپ‌گرایی‌بند شدند. سازمان انقلابی حزب توده رسماً از کمیته مرکزی این حزب جدا شده، به صورت یک گروه اقلیت به رهبری کنفدراسیون پیوست. در همین زمان فعالین گروه‌های اسلامگرا از کنفدراسیون خارج شدند و به صورت مستقل دست به سازماندهی زدند. همه گروه‌های اپوزیسیون خارج از کشور از جمله جبهه ملی، گروه‌های اسلامگرا و سازمان انقلابی حزب توده تلاش کردند تا به صورت زیرزمینی دست به مبارزه مسلحانه بزنند اما عملاً فقط سازمان انقلابی حزب توده افرادی را به داخل ایران فرستاد. بعضی از این افراد در ۱۹۶۵ به اتهام تلاش نافرجام برای ترور شاه محاکمه شدند. این امر سبب درگیری مستقیم کنفدراسیون و دولت ایران شد و در نهایت کنفدراسیون را به سوی رادیکالیزه شدن بیشتر سوق داد. فصل هفتم تلاش‌های کنفدراسیون در پیوند با «رویارویی جهانی» همگام با جنبش‌های دانشجویی سایر کشورها به طور کلی، و نقش و سهم کنفدراسیون در تعمیق مبارزات جنبش دانشجویان آلمانی را به صورت موردی، از جهت تأثیر بین‌المللی این سازمان بررسی می‌کند. توضیح اینکه در ژوئیه ۱۹۶۷ م / ۱۳۴۶ ش. تظاهرات دانشجویان ایرانی و آلمانی علیه دیدار شاه از برلن باعث آن شد که تشکیل «اپوزیسیون فراپارلمانی» روند تند و شتابانی گرفته و جنبش رادیکال دانشجویان مخالف در آن کشور بیش از پیش فعال گردد. این جنبش خود پیشاهنگ قیام سراسری دانشجویی اروپا در ۶۹-۱۹۶۷ شد. در اواخر سال‌های دهه ۱۹۶۰، سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا در مبارزات ضد جنگ ویتنام و نیز در جنبش‌های دانشجویی در ایالات متحده فعالیت بیشتری از خود نشان داد. نویسنده معتقد است درگیری هرچه بیشتر کنفدراسیون با اینگونه مسائل بین‌المللی باعث شد تا این سازمان از حمایت فزاینده‌ای برخوردار گردد و نیز بر تحولات سیاسی آن تأثیر گذاشت. این فصل و نیز فصل‌های بعدی درآمد‌ها و هزینه‌های کنفدراسیون را با توجه به گزارش‌های ارایه شده به کنگره‌های سالانه آن مورد توجه قرار می‌دهد. تماس رسمی نمایندگان کنفدراسیون با امام خمینی (ره) در عراق و نیز شرکت آنان در کنگره بین‌المللی دانشجویی در روسیه با توجه به درگیری‌هایی که با این کشور میزبان پیداکرد از جمله موارد دیگری است که در این فصل مورد بررسی قرار



■ سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، نگاهی دیگر به پیشینه مبارزات دانشجویی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۲۰ شم
■ تالیف: ابوالحسن ضیاء ظریفی
■ ناشر: شیرازه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸

در ادامه نوشتار فوق می‌بایست از دست‌اندرکاران مجموعه «تاریخ معاصر ایران» و دبیر این مجموعه - آقای کاوه بیات - به خاطر چاپ کتاب دیگری پیرامون فعالیت‌های دانشجویی در دهه ۱۳۲۰ در قالب «سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، نگاهی دیگر به پیشینه مبارزات دانشجویی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲ شمسی» به قلم آقای ابوالحسن ضیاء ظریفی، اندکی پس از چاپ کتاب «کنفدراسیون... در مجموعه کتابهای «تاریخ معاصر ایران» از سوی انتشارات شیرازه منتشر گردید. این تقارن زمانی و پیوند موضوعی، بهانه‌ای مناسب و فرصتی مغتنم را برای نگاهی اجمالی به کتاب اخیرالذکر نیز فراهم آورد:

پس از - اعتراضات جسته گریخته دانشجویان از سال ۱۳۲۰ به بعد، و به دنبال تشکیل اتحادیه‌های پراکنده در دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۴ به بعد و بالاخره در پی تأسیس سازمان دانشجویان کوی دانشگاه در سال ۱۳۲۸، «سازمان دانشجویان دانشگاه تهران» در سال ۱۳۲۹، علناً فعالیت رسمی خود را آغاز کرد و نویسنده که خود از بنیانگذاران و دبیر کل سازمان بوده در این کتاب تاریخچه‌ای از تکاپوهای دانشجویی در دهه بیست را که به ویژه در قالب سازمان دانشجویان دانشگاه تهران تبلور یافت، ارائه نموده است. کتاب در سه بخش اصلی

سازمان‌های حقوق بشر مواجه است، رسانه‌های جمعی ایالات متحده و اروپا و حتی محافل و شخصیت‌های دولتی بعضی از کشورها او را آماج انتقادات خود تکرار داده‌اند، اعتراضات دانشگاهیان در ایران و نیز تجدید فعالیت و تحرک گروه‌های اسلامگرا و از جمله طلاب قم در طول سال‌های ۴-۱۳۵۳ همچنان ادامه داشت. در سال ۱۹۷۶ / ۱۳۵۵ اپوزیسیون دانشجویی خارج از کشور با اشغال کنسولگری ایران در ژنو به اسناد و مدارکی دست یافت که حاکی از عملیات وسیع ساواک علیه دانشجویان و نیز اتیان خارجی بود، افشای این مدارک سبب انعکاس بیشتر آراء و خواسته‌های دانشجویان شد. بدین ترتیب تا سال ۱۹۷۷ / ۱۳۵۶ جنبش دانشجویی در ایران و خارج همچنان به عنوان نیرویی اصلی در بین گروه‌های مخالف دولت ایران باقی ماند. در پاییز ۱۳۵۶ دانشجویان در ایران شرکت‌کنندگان اصلی در شب‌های شعر بودند، که به اولین درگیری‌های خیابانی پیش از انقلاب منجر شد. در همان حال اپوزیسیون دانشجویی خارج از کشور با سازماندهی و گسترش اعتراضات قهرآمیز خود توجه جهانیان را جلب کرد. از آن جمله است تظاهراتی که علیه دیدار شاه از واشنگتن در پاییز سال ۱۹۷۷ / ۱۳۵۶ به عمل آورد و طی آن هزاران تظاهرکننده با پلیس و طرفداران شاه درگیر شدند. با اوج گرفتن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ اکثر رهبران دانشجویان و فعالین سیاسی به ایران بازگشتند تا مستقیماً به سازمان‌های مختلفی که درون کشور تشکیل شده بود ملحق شوند. اکنون عصر سیاسی جدیدی آغاز شده بود، متفاوت با دورانی که کنفدراسیون در آن نقشی اساسی ایفا کرده بود. روایت نویسنده در اینجا پس از ارزیابی مختصری از دستاوردها، سهم و نقش کنفدراسیون در تاریخ معاصر ایران به پایان می‌رسد. دو پیوست، در پایان کتاب ضمیمه شده است. پیوست نخست «اساسنامه کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی مصوب کنگره پاریس، ۱۹۶۲» است و در پیوست دوم «منشور کنفدراسیون جهانی، مصوب کنگره شانزدهم فرانکفورت، ژانویه ۱۹۷۵» به چاپ رسیده است. آخرین بخش کتاب به فهرست منابع کتاب اختصاص دارد که در دو بخش ارائه شده است. بخش اول متضمن «منابع اولیه» شامل مصاحبه‌ها، نشریات ادواری کنفدراسیون، سایر نشریات وابسته، به کنفدراسیون، نشریات دانشجویی، نشریات اپوزیسیون، نشریات به زبانهای دیگر و اسناد است و بخش دوم حاوی «منابع ثانوی» مشتمل بر کتب و رسائل فارسی و خارجی است. کتاب با فهرست اعلام به پایان می‌رسد. در خاتمه ترجمه بسیار روان و شیوای آقای ارسطو آذری، همچنین تلاش عالمانه آقای کاوه بیات در شناسایی و معرفی منابع و آثار بسیار ارزشمند درباره تاریخ معاصر ایران، به ویژه اثر حاضر که زوایای کمتر شناخته شده انقلاب اسلامی، خصوصاً نقش دانشجویان در آن را به شیوه‌ای مستند و تحقیقی به تصویر می‌کشد شایان بسی تقدیر و سپاسگذاری است.

گرفته است. فصل هشتم به دومین دهه از فعالیت کنفدراسیون می‌پردازد و جایگاه آن را در تحولات جدید ایران و جهان مشخص می‌کند. خلاصه تحولات مورد بحث در این فصل به قرار زیر است: در اسفند ۱۳۴۸ یکی از شدیدترین اعتراضات سراسری که از سال ۱۳۴۲ به بعد بی‌سابقه بود، به رهبری دانشجویان و علیه افزایش قیمت بلیط اتوبوس‌های شرکت واحد تهران را فراگرفت.

در سال ۱۳۵۰، عملیات چریکی شهری به طور منظم در ایران شروع شد و در پی آن دانشگاه‌ها نیز دست به اعتراضات شدیدی زدند. در این دوره، رشد، انشعاب و رادیکالیزه شدن کنفدراسیون نیز ادامه می‌یابد. در همان سال چهار گروه مائوئیستی و دو شاخه اصلی از جبهه ملی در کنفدراسیون وجود داشتند. اما نفوذ مائوئیست‌ها با توجه به ارتباط و نیز حمایت‌های سیاسی جمهوری خلق چین از رژیم ایران در سال‌های دهه ۱۳۵۰ ضعیف شد و در همان حال اپوزیسیون دانشجویی چه در ایران و چه در خارج تحت نفوذ نیروهای مارکسیست غیرمائوئیست و سازمان‌های چریکی مارکسیستی و اسلامی قرار گرفت. در سال ۱۳۵۰ دولت ایران با تشدید مبارزات علیه کنفدراسیون آن را غیرقانونی اعلام کرد. کنفدراسیون، هم بر شدت مبارزاتش علیه رژیم شاه افزود و هم افراد بیشتری را به عضویت خود درآورد.

فصل نهم، زمینه‌ها و چگونگی تحولاتی را که منجر به انشعاب نهایی کنفدراسیون در سال ۱۹۷۵ / ۱۳۵۳ شد مورد بررسی قرار می‌دهد: در سال ۱۹۷۲ کنفدراسیون دچار بحران دیگری شد، زیرا جمهوری فدرال آلمان سعی کرد تا قانون ویژه‌ای را برای منع فعالیت‌های سیاسی خارجی‌ان و نیز نیروهای مخالف رادیکال آلمان برقرار نماید. با این وجود کنفدراسیون رهبری ائتلافی از گروه‌های پراکنده چپ آلمان را برعهده گرفت و در حمایت از ایرانیان و سایر فعالین سیاسی خارجی به ویژه فلسطینیان به مقابله با قوانین تبعیض‌آمیز دولت آلمان پرداخت. در طول سال‌های ۷۳-۱۹۷۲ / ۵۱-۱۳۵۰ تظاهرات دانشجویان در ایران ادامه یافت و در همان حال کنفدراسیون فعالیت‌های خود را در آلمان، اطریش، ایتالیا و ایالات متحده تشدید کرد و دامنه آن را به سوئد، هلند، کانادا و هندوستان گشاند. در طول نیمه اول سال‌های دهه ۱۹۷۰ (۵۷-۱۳۴۸) توجه رسانه‌های بین‌المللی به مسائل ایران به طور کلی و به ویژه به مسئله سرکوب مخالفین در داخل ایران رو به افزایش گذاشت. سرانجام کنفدراسیون در اواسط دهه ۱۳۵۰ به چندین سازمان دانشجویی مستقل تقسیم شد اما اپوزیسیون دانشجویی در خارج از کشور همچنان از نظر تاثیرگذاری و نیز افزایش قدرت و تعداد اعضا روندی صعودی داشت چون گروه‌های رقیب دانشجویی به رغم همه اختلافات در جبهه واحد و مشترکی علیه رژیم شاه همکاری می‌کردند.

فصل دهم با تاکید بر نتایجی که شرح زیر این بررسی را به پایان می‌رساند: شاه با اعتراضات مداوم دانشجویان و نیز انتقادات شدید گروه‌های بین‌المللی و